

رابطه حرمت خود بر همدلی نوجوانان

عباسعلی هراتیان* / محمدرضا احمدی**

چکیده

تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه سطح حرمت خود با همدلی دانش‌آموزان مقطع سوم دوره راهنمایی و با استفاده از روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری این تحقیق را دانش‌آموزان مقطع سوم راهنمایی بخش روزانه شهر قم از هر دو جنس (مذکر و مؤنث) تشکیل می‌دهند. از تمام جامعه آماری، تعداد ۲۲۰ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شده است. شایان توجه است که در این تحقیق، از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: رابطه معناداری بین متغیرهای حرمت خود و همدلی، وجود ندارد، اما متغیر حرمت خود و زیرمقیاس‌هایش، رابطه منفی و معناداری با زیرمقیاس اندوه شخصی و رابطه مثبت و معناداری با زیرمقیاس دیدگاه‌پذیری دارند. این پژوهش نشان می‌دهد که جنسیت، با میزان همدلی رابطه داشته و میزان همدلی دختران بیش از پسران است.

کلیدواژه‌ها: همدلی، حرمت خود، نوجوان.

مقدمه

در خلال نیم قرن گذشته، «حرمت خود» به عنوان یکی از سازه‌های اصلی شخصیت، همواره مورد توجه روان‌شناسان بوده است. که حرمت خود برای انسان، به منزله سرمایه ارزشمند حیاتی، از عوامل پیشرفت و شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌هاست. به طور کلی فرایندهای شناختی، احساسات، انگیزه‌ها، برقراری روابط با یکدیگر، شیوه زندگی، تصمیم‌ها و انتخاب‌های انسان به طور قابل توجهی، تحت تأثیر میزان حرمت خود و اعتماد به نفس افراد است. حرمت خود بر همه سطوح زندگی انسان تأثیر می‌گذارد. نتایج برخی از تحقیقات حاکی از آن است که چنانچه نیاز انسان‌ها به حرمت خود ارضا نشود، نیازهای گسترده‌تر، مانند نیاز به خودشکوفایی و پیشرفت یا درک استعداد بالقوه، محدود می‌ماند. دو نیاز اساسی بشر که در بیشتر نظریه‌های روان‌شناسان و نیز پژوهش‌های آنها درباره خصوصیات روانی انسان مشاهده می‌شود، نیاز به حرمت خود و احتیاج به احساس امنیت است،^۱ از این رو حرمت خود بالا و همخوانی خود، شاخص‌های اصلی بهداشت روانی تلقی شده‌اند.^۲

حرمت خود از جمله مفاهیمی است که بسیاری از روان‌شناسان و پژوهشگران در چند دهه اخیر بدان توجه کرده و یکی از موضوع‌های مهم جنبه‌های فردی، اجتماعی و روان‌شناختی است. موضوع حرمت خود از نظر قدمت، از مباحثی که عالمان و فیلسوفان تعلیم و تربیت در گذشته داشته‌اند، نشئت می‌گیرد. در طول هزاران سال گذشته، گزارش‌های تاریخی، دیدگاه‌های فیلسوفان و اندیشمندان بر این مطلب گواهی دارند که برای انسان هیچ حکم ارزشی‌ای مهم‌تر از داوری و قضاوت وی در مورد خودش نیست.^۳

ویلیام جیمز از کسانی است که نخستین بار در اثری با عنوان *اصول روان‌شناسی* بر ضرورت حرمت خود تأکید کرده است. هم‌زمان با او، جامعه‌شناسانی، مانند چالز کولی^۴ به بررسی حرمت خود پرداخته و آن را به منزله نیاز حیات بخش آدمی توصیف کرده‌اند. در واقع، با پیدایش رویکرد روانی-اجتماعی، محققانی نظیر هورنا،^۵ فروم^۶ و سالیوان^۷ به بررسی‌های نظام‌داری درباره حرمت خود پرداختند، اما اوج مطالعات در این‌باره و قلمداد کردن آن به مثابه یک سازه شخصیتی، در آثار انسان‌گرایانی، مانند راجرز^۸ و مازلو دیده می‌شود.^۹

پارهای از محققان نیز نشان داده‌اند که انسان مانند شیء، دو ارزش ابزاری و درونی دارد. این دو بعد، به ترتیب به جنبه‌های کنشی و کیفی انسان بازگشته و تشکیل‌دهنده ابعاد اصلی حرمت خود به حساب می‌آیند؛ ابعادی که در چهارچوب دو مؤلفه احترام (صلاحیت، استعداد و سطح عملکرد) و تمایل یا علاقه‌مندی (هویت اجتماعی، منش اخلاقی و جذابیت) متمایز می‌شوند. این نویسندگان نشان داده‌اند که حرمت خود کلی در دو سطح صلاحیت خود و علاقه به خود قابل جداسازی است. صلاحیت خود، نوعی تجربه شخصی ارزشمند است که فرد در آن، خود را عامل عمل احساس کرده، هوشیارانه و هدفمند به کسب تجربه پرداخته و پیامدهای مورد علاقه و نیاز خود را از رهگذر تمرین و تجربه به دست می‌آورد. بنابراین، سطح صلاحیت خود می‌تواند جهت‌گیری مثبت یا منفی داشته باشد. این‌گونه جهت‌گیری‌ها معمولاً در مقایسه با منبع قدرت درونی فرد و سطح کارآمدی وی، سمت و سوی منفی یا مثبت پیدا می‌کنند. علاقه به خود، به‌عنوان بعد دیگر حرمت خود نیز شرایط و عوامل تجربه مفیدی را برای فرد به‌عنوان یک موجود اجتماعی فراهم می‌آورد. رشدیافتگی علاقه به خود، نوعی احساس ارزش اجتماعی است که فرد درون خود آن را تجربه می‌کند.^{۱۰}

برخی دیگر از پژوهشگران، حرمت خود را به منزله نوعی بازخورد تلقی کرده‌اند؛ بازخوردی که می‌تواند به صورت کلی (مانند بازخورد نسبت به دانشگاه، جامعه و...) یا به شکل خاص یا موردی (مانند جذابیت‌های موقعیتی و با کیفیت یا گروه خاصی از دانشگاه) باشد. افزون بر این، بازخورد، دو مؤلفه اساسی شناختی (تجسم فرد از چیز خاصی، مانند شخص، گروه، شیء و...) و عاطفی (جهت‌گیری مثبت یا منفی به شخص، گروه، شیء و...) دارد.^{۱۱} از نظر براندن،^{۱۲} ارزشیابی فرد از خویشتن به اندازه مسئله مرگ و حیات برای وی اهمیت دارد، زیرا چون ارزشیابی شخص از خویشتن، آثار برجسته‌ای در جریان فکری، احساسات، تمایلات، ارزش‌ها و هدف‌های وی دارد، کلید فهم تمامی رفتارهای اوست و به منظور شناخت حالات روانی انسان و پی‌بردن به روحیات او، باید به طبیعت و میزان حرمت خود و معیارهای قضاوت وی درباره خویشتن آگاهی یافت.

شیهان^{۱۳} از حرمت خود سالم به منزله نیاز اساسی انسان و چیزی که به او پیوسته است و برای دستیابی به آن تلاش می‌کند، یاد کرده است. مازلو^{۱۴} در طبقه‌بندی نیازهای انسان،

نیاز به احترام و حرمت خود را از نیازهای اساسی و عالی دانسته و درباره اهمیت و کارکرد آن چنین می‌گوید:

ارضای نیاز حرمت خود، به احساساتی، از قبیل اعتماد به نفس، ارزش، قدرت، لیاقت، کفایت و مفید بودن در جهان منتهی خواهد شد، اما بی‌اعتنایی به این نیاز موجب احساساتی، از قبیل حقارت، ضعف و درماندگی می‌شود.^{۱۵}

همچنین او معتقد است که حرمت خود، حوزه‌هایی از جمله نگرش به خود، آگاهی داشتن از استعدادهای خود و تصدیق آنها، روش‌های مقابله با شکست و توانایی مقابله با چگونگی نگرش دیگران درباره خود را دربر می‌گیرد.^{۱۶}

بسیاری از روان‌شناسان در طول سال‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که حرمت خود، منعکس‌کننده تفاوتی است که میان خودپنداره واقعی (چه کسی هستم؟) و خودپنداره آرمانی (دوست داشتم چه کسی باشم؟) درک می‌کنیم. هرچه فاصله بین این دو نوع «خود» بیشتر باشد، «حرمت خود» فرد، پایین‌تر خواهد بود.^{۱۷} «خودآرمانی» تصویری از فردی است که مایلیم باشیم. وقتی خود ادراک شده و خود آرمانی با هم منطبق باشند، حرمت خود بالاست. برای مثال، دانش‌آموزی که آرمان‌های تحصیلی بالایی داشته و دانش‌آموز موفق نیز هست، احساس خوبی درباره خودش دارد و ارزیابی مثبتی نیز از ویژگی‌های خود خواهد داشت. برعکس، دانش‌آموزی که خودآرمانی اجتماعی دارد، اما در عالم واقع، دوستان کمی دارد، حرمت خود ضعیفی دارد. این مطلب، بیانگر تفاوت خود درک شده و خودآرمانی است که در نهایت، مشکلاتی را در خصوص حرمت خود در پی دارد.^{۱۸}

رابطه هویت‌یافتگی به‌عنوان منزلت مطلوب هویتی با ابعاد کنش‌وری بهینه روان‌شناختی مورد مطالعه قرار گرفته است. واترمن^{۱۹} طی مروری بر پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، رابطه هویت‌یافتگی را با حرمت خود بالا، اضطراب و افسردگی پایین، هدفمند بودن، همکاری و کمک به دیگران، ظرفیت صمیمیت بالا و برخی جنبه‌های تفکر انتزاعی، گزارش کرده است. کروگر^{۲۰} نیز با اشاره به نتایج پژوهش‌های مختلف، رابطه سردرگمی هویت را با حرمت خود پایین، استقلال پایین، پایین‌بودن سطح قضاوت اخلاقی (اخلاق پیش‌قراردادی یا قراردادی)، سطح بالای ناامیدی، فاصله‌گرفتن از دیگران و انزواطلبی و نیز استفاده از سبک‌های شناختی کمتر پیچیده در مقایسه با هویت‌یافتگی و بحران‌زدگی، گزارش کرده است.^{۲۱}

بسیاری از تحقیقات توانسته‌اند که همخوانی مثبتی بین دین‌داری و حرمت‌خود، نشان داده و تنها تعداد اندکی از آنها عدم رابطه بین آن دو را گزارش کرده‌اند. نتایج یک نظرسنجی ملی امریکایی - آفریقایی در سال ۸۰ نشان می‌دهد که دل‌مشغولی مذهبی با حرمت‌خود، همبستگی دارد. در پژوهشی از نوجوانان کاتولیک ایتالیایی که از پنج فرهنگ مختلف بوده‌اند، همبستگی مثبتی بین دین و حرمت‌خود یافت شده است.^{۲۲} بنسون و اسپیلکا^{۲۳} بین حرمت‌خود و تصور مثبت از خدا در بین دین‌داران، به یک همبستگی دست یافته‌اند.

از میان شاخص‌های مختلف کنش‌وری بهینه روان‌شناختی، بهره‌مندی از حرمت‌خود مناسب و اضطراب پایین به سبب نقش آنها در سلامت روانی، اهمیت بیشتری دارند. بسیاری از مطالعات انجام‌شده در خصوص رابطه حرمت‌خود و مقوله هویت است. نتایج پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده وجود حرمت‌خود بالاتر در افراد هویت‌یافته است، در حالی که سطح حرمت‌خود سایر منزلت‌های هویتی، پایین‌تر است.^{۲۴} حاصل حرمت‌خود، یعنی ارزش و احترامی که فرد برای خویشتن قائل است. همچنین حرمت‌خود یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی افکار، عواطف، بازخوردها و رفتارهای شخصی شمرده می‌شود. تأثیر متقابل حرمت‌خود و تجربه‌های موفق و شکست در زمینه‌های مختلف آموزشی و غیرآموزشی، در پژوهش‌های مختلف، بررسی و تأیید شده است. کوپر/اسمیت^{۲۵} با مطالعات وسیع خود در مورد حرمت‌خود، به این نتیجه رسیده که افراد دارای سطح بالای حرمت‌خود در مقایسه با افراد دارای سطح حرمت‌خود پایین، استرس، اضطراب، درماندگی و نشانه‌های روان‌تنی کمتری داشته و حساسیت کمتری در برابر شکست و انتقاد نشان می‌دهند.^{۲۶}

حرمت‌خود، پیش‌بینی‌کننده قوی برای رضایت از زندگی در میان مردمان شمال امریکاست. البته این امر در مناطق مختلف متفاوت بوده و یافته‌های بین‌فرهنگی اخیر خاطر نشان می‌کند که نیرومندی رابطه بین حرمت‌خود و رضایت از زندگی در بین فرهنگ‌ها به‌طور قابل ملاحظه‌ای متفاوت است.^{۲۷} غضنفری در پژوهش خود، ضمن بحث در مورد چگونگی تأثیرگذاری فرهنگ در شکل‌گیری مفهوم خود، رابطه بین الگوی فرهنگی جمع‌مداری و حرمت‌خود با بهزیستی در دختران ایرانی و کانادایی را بررسی

کرده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که تمایلات جمعی در دختران ایرانی نقش مهمی در شکل‌گیری مفهوم خود و سلامت روانی دارد، در حالی که حرمت خود فردی در دختران کانادایی نقش بیشتری در سلامت روانی ایفا می‌کند.^{۲۸}

سطح حرمت خود در مادران کودکان تیزهوش، بالاتر از مادران کودکان عادی است. پدران دانش‌آموزان با پیشرفت بالا، حرمت خود کلی بالاتری از پدران دانش‌آموزان پیشرفته پایین نشان داده و والدین اختلافی در اضطراب نداشتند. حرمت خود کلی پدران به‌طور منفی با اضطراب و به‌طور مثبت با حرمت خود پسران مرتبط بوده است.^{۲۹} کائگاس^{۳۰} پژوهشی با عنوان «ثبات حرمت خود در دوره نوجوانی و اوایل بزرگسالی» انجام داده و به این نتیجه رسیده است که تفاوتی بین نمره کلی مردان و زنان در حرمت خود وجود ندارد، ولی در اوایل بزرگسالی نمره حرمت خود مردان از زنان بالاتر است.^{۳۱} حرمت خود در دختران تیزهوش، بالاتر از پسران تیزهوش است، اما حرمت خود پسران عادی بالاتر از دختران عادی است.^{۳۲}

حرمت خود به منزله مجموعه بازخوردها و عقایدی است که افراد در روابط خویش با دنیای بیرونی ابراز می‌کنند. باور به موفقیت شخصی، بسیج خویشتن با توجه به هدف تعیین شده، تأثیرپذیری کم و بیش عمیق از یک شکست، و بهبود بخشیدن به کارآمدی خود با استفاده از تجربیات گذشته، به منزله بازخوردهایی هستند که رابطه مستقیمی با حرمت خود دارند. به عبارت دیگر، حرمت خود، شامل یک حالت روانی است که فرد را آماده می‌سازد تا به انتظار موفقیت، پذیرش آن و تعیین‌کننده‌های شخصی واکنش نشان دهد. در نتیجه، حرمت خود به منزله بیان تأیید یا عدم تأیید فرد از خویش است.^{۳۳}

«حرمت خود» یکی از عوامل مؤثر در زمینه کمک‌خواهی است. دو فرضیه در خصوص رابطه بین کمک‌خواهی و حرمت خود، ارائه شده است: ۱. فرضیه آسیب‌پذیری، ۲. فرضیه ثبات. «فرضیه آسیب‌پذیری» بر این باور است که افراد دارای حرمت نفس پایین در مقایسه با افراد دارای حرمت نفس بالا، کمک‌خواهی را تهدیدی برای خود دانسته و کمتر کمک می‌خواهند. برعکس، «فرضیه ثبات» بیان می‌کند که افراد دارای حرمت خود پایین برای جبران کمبود حرمت خود، اقدام به کمک‌خواهی می‌کنند. بنابراین، فرضیه ثبات رابطه معکوسی را بین کمک‌خواهی و حرمت خود پیش‌بینی می‌کند. طبق این دو نظر، اخیراً نظر

سومی نیز مطرح شده است و آن اینکه افرادی که ادراک لیاقت بالا یا پایین داشته در مقایسه با افرادی که لیاقت متوسط دارند، کمتر رفتار کمک‌خواهی را از خود بروز می‌دهند. به‌رغم اینکه رفتار کمک‌خواهی برای رسیدن به موقعیت تحصیلی است، ولی زیان‌هایی نیز دارد، از جمله اینکه تهدیدی برای خود است.^{۳۴}

هافمن^{۳۵} و لوی^{۳۶} معتقدند فردی که حرمت خود بالایی دارد، خود و دیگران را به طریق مثبتی ارزشیابی می‌کند و برعکس، فردی که از حرمت خود پایینی بهره‌مند است بازخورد منفی به دنیا داشته و در ناامیدی تلاش می‌کند تا به دیگران و خودش نشان دهد که شخص لایقی است یا ممکن است منزوی شده و از ارتباط با دیگران اجتناب کند.^{۳۷} همچنین حرمت خود با کنجکاوی در مورد خود و محیط، احساس کفایت و شایستگی و نگرش مثبت به خود همبستگی دارد. بعضی از محققان، خویش‌پندیری^{۳۸} (خودباوری) و نگرش فرد در مورد سطح شایستگی شخصی^{۳۹} را تعیین‌کننده حرمت خود دانسته‌اند. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود که احساس شایستگی در زمینه‌ای خاص، صرف‌نظر از موفقیت یا شکست، به افزایش ارزش و احترام شخصی و در نتیجه، بالا رفتن سطح حرمت خود در آن زمینه بینجامد.^{۴۰}

مطالعه کوپر/سمیت نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین حرمت خود و بهداشت روانی فرد وجود دارد. این یافته‌ها حاکی از آن است که افراد بهره‌مند از حرمت خود پایین، بیشتر مستعد بیماری بوده و کمتر فرد دارای حرمت خود پایینی پیدا می‌شود که از علایم افسردگی دور باشد. همچنین افراد افسرده، از نظر تحصیلی کم‌آموز هستند. این افراد در زندگی خود انتظار شکست را می‌کنند و حرمت خود پایینی داشته و به توانایی خود اعتماد کمتری دارند.^{۴۱} پوپ^{۴۲} و مک‌هال^{۴۳} دریافته‌اند که بین حرمت خود مثبت و نمره‌های بالا در مدرسه رابطه وجود دارد. همچنین به این نتیجه رسیده‌اند که حرمت خود مثبت، رابطه مثبتی با شادکامی و کارکرد بالا دارد.^{۴۴}

کومورتیا^{۴۵} تأثیر منبع کنترل بر حرمت خود را امتحان کرده و به این نتیجه رسیده است که آزمودنی‌هایی که حرمت خود پایین و متوسط دارند، هر دو منبع کنترل بیرونی داشته و افرادی که از حرمت خود بالایی بهره‌مندند، منبع کنترل آنها درونی است.^{۴۶} از نظر آدلر،^{۴۷} نبود حرمت خود، مهم‌ترین متغیر روانی در علت‌شناسی انحراف‌ها یا ناسازگاری شخصیت

است. همچنین دربارهٔ ارتباط حرمت خود و بزهکاری نوجوانان، تحقیقات متعدد نشان‌دهنده ارتباط علی مشهودی است و مشخصاً حرمت خود با بزهکاری همبستگی منفی دارد. متقاعدکننده‌ترین و جامع‌ترین این تحقیقات، الگوی انحراف و افزایش قدر و اعتبار کاپلان است. به نظر کاپلان،^{۴۸} رفتار بزهکارانه در خدمت افزایش حرمت خود افرادی است که شکست و افت حرمت خود را تجربه کرده‌اند. استفن هیگن^{۴۹} و برنز^{۵۰} نیز سطح پایین حرمت خود را به منزلهٔ علت رفتار منحرفانه می‌دانند و نه حاصل از آن.^{۵۱} تحقیقات نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میزان همدلی نوجوانانی که مرتکب جرایم جنسی شده و نوجوانانی که مرتکب این جرایم نشده‌اند، وجود ندارد، اما حرمت خود نوجوانان مجرم، به شکل معناداری پایین‌تر است، از این رو یکی از راهکارهای اصلی درمان این افراد، بالا آوردن سطح حرمت خود است.^{۵۲}

در آموزه‌های اسلامی نیز به این موضوع توجه و بسیار مهم تلقی شده است. در ادبیات دینی از این امر، با حرمت خود، عزت نفس^{۵۳} و ... تعبیر می‌شود. آموزه‌های دینی، هم خود فرد را به احترام گذاشتن به خویشتن تشویق کرده و هم دیگران را به مراعات حرمت انسان‌ها الزام می‌کند.^{۵۴، ۵۵}

شجاعی،^{۵۶} آیات و روایاتی را که دربارهٔ حرمت خود وجود دارد، به دو دسته عمده تقسیم کرده است:

دسته اول، آیات و روایاتی که در آنها به شناخت ارزش و منزلت خود سفارش شده است.

الف - اهمیت خودشناسی: در اسلام، دانستن و معرفت چستی و کیستی انسان یا به تعبیر دیگر، شناخت انسان از خویشتن، آن‌قدر اهمیت دارد که آیات و روایات فراوانی در این‌باره آمده است. برای مثال در آیه شریفه آمده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما باد، (شناخت) خودتان. (مائده: ۱۰۵) همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «برترین دانش، شناخت انسان از خود است.»^{۵۷}

ب - شناخت ارزش و منزلت خود: در روایتی از حضرت علی علیه السلام آمده است: «کسی که ارزش خود را نشناخت، نابود شد.»^{۵۸} از امام سجاد علیه السلام پرسیدند: شریف‌ترین و والاترین مردم کیست؟ فرمود: «کسی که دنیا را با ارزش و شرف خویش برابر نداند.»^{۵۹}

اگر انسان جایگاه واقعی خود را بشناسد و خودپنداره درست و بر اساس تصویری که دین از انسان ارائه داده است، در ذهن وی شکل بگیرد، خودایده‌ال او نیز بر اساس معیارهای دینی شکل می‌گیرد که عبارت است از: رسیدن به مقام خلیفه‌اللهی و قرار گرفتن در جوار رحمت خداوند. «حرمت خود»، از تفاوت خودایده‌ال و خودپنداره پدید می‌آید؛ یعنی هر اندازه انسان بتواند از طریق کسب فضایل و ارزش‌های انسانی به خودایده‌ال نزدیک‌تر شود، به همان اندازه «حرمت خود» بالایی خواهد داشت.

ج - حفظ حرمت خود: در برخی روایات برای حفظ حرمت خود و صیانت از نفس، بر دوری از رفتارهای منافی با حرمت خود تأکید شده است. برای مثال، امام علی علیه السلام فرموده‌اند: «هرکس نفس خویش را گرامی بدارد، خواسته‌های نفسانی در نظرش پست خواهد بود.»^{۶۰} امام هادی علیه السلام فرموده‌اند: «آن کس که شخصیتی برای خود قائل نیست، انتظار خیر از او نداشته باش.»^{۶۱} نیز ایشان فرموده‌اند: «آن کس که شخصیتی برای خود قائل نیست، از شر او برحذر باش.»^{۶۲}

دسته دوم، آیات و روایاتی که در آنها بر حفظ حرمت دیگران تأکید شده و هر نوع رفتار یا گفتاری که به نوعی، توهین به دیگران باشد و موجب شکسته شدن حرمت افراد می‌شود، ممنوع و گناه شمرده شده است.^{۶۳}

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که روان‌شناسان اجتماعی و پژوهشگران روابط انسانی به آن توجه کرده‌اند، «همدلی» است. رابرت ویشر،^{۶۴} این واژه را برای اشاره به جنبه‌ای از احساس زیبایی‌شناختی به کار برده است. تئودور لیبس،^{۶۵} به «همدلی»، دامنه فلسفی وسیع‌تری بخشیده و آن را نسبت داد به این شکل از دسترسی شهودی به شناخت ذهنیت شخصی دیگر.^{۶۶}

فریود^{۶۷} این واژه را در همین معنا به کار برده و به احتمال زیاد او با مطالعه آثار لیبس، این واژه را در این معنا که در آن زمان هنوز رایج نبود، به کار برده است. فریود از این واژه در کتاب *لطیفه‌ها و ارتباطشان با ناخودآگاه* (۱۹۰۵م) و برخی از مقاله‌هایش استفاده کرده است. تیچنر^{۶۸} در سال ۱۹۰۹م، این واژه را از آلمانی به انگلیسی ترجمه کرده است.^{۶۹}

این مفهوم تا سال ۱۹۶۰م که رالف گرینسون^{۷۰} آن را مطالعه نمود، اهمیت پیدا نکرد و بی‌تردید، علاقه به انتقال متقابلی که بعد از اثر هنریک راسر^{۷۱} و پائولا هیمان^{۷۲} ایجاد شد،

گرینسون را به این مطالعه ترغیب کرده بود.^{۷۳} نویسندگان دیگری، مانند بوئی^{۷۴} و ویلدو ش،^{۷۵} تلاش داشته‌اند تا سازوکاری روان‌شناختی تعیین کنند که در این شکل پیچیده از درک شهودی اعمال شده و بخصوص بر نقش شناسایی و استنتاج تأکید داشته باشد.

همدلی، مفهوم مهمی در حوزه روان‌شناسی و ارتباط بین‌فردی است.^{۷۶} نگران‌شدن از ناراحتی دیگران، حتی در میان کودکان دوازده ماهه و نیز در میان میمون‌ها و بوزینه‌ها مشاهده می‌شود.^{۷۷} همدلی هم به مثابه یک ویژگی شخصیتی و هم به مثابه یک توانایی، شرایط لازم را برای توجه به بسیاری از پدیده‌ها فراهم می‌کند.^{۷۸}

افراد همدل، سه خصیصه مهم دارند: اول، اینکه درباره نیازهای دیگران نوعی احساس نگرانی دارند. دوم، اینکه با دیگران اشتراک‌نظر دارند؛ یعنی قادرند خود را به جای دیگران بگذارند و به مسائل از نگاه آنان بنگرند، سوم، اینکه احساسات همدلانه دارند و آن را از طریق رفتارهای متناسب، نشان می‌دهند.^{۷۹} فشاباخ^{۸۰} نیز همدلی را بر اساس دو جزء عاطفی، شامل توانایی در شناسایی و نام‌گذاری حالات دیگران و یک جزء دیگر، شامل توانایی نشان‌دادن پاسخ عاطفی تحلیل می‌کند.^{۸۱}

دیویس و همکارانش^{۸۲} همدلی را سازه‌ای چندبعدی می‌دانند که عبارت‌اند از:

۱. دیدگاه‌گیری: توانایی برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران؛
 ۲. توجه همدلانه: میزان احساسات همدلانه دیگرمحور و نگرانی برای افراد درمانده؛
 ۳. درماندگی شخصی: احساسات خودمحوری، نگرانی و تنش در شرایط بین فردی.
- به رغم تفاوت در تعریف‌های همدلی، این اعتقاد کلی وجود دارد که زنان در مقایسه با مردان بیشتر همدلی می‌کنند.^{۸۳} پژوهش‌ها نمره‌های بالاتری را برای دختران در همدلی عاطفی و شناختی، در مقایسه با پسران نشان می‌دهند.^{۸۴} طبق برخی مطالعات، زنان دو برابر مردان از احساس همدلی بهره‌مندند. زنان یا به سبب تفاوت‌های ژنتیکی و یا به علت تفاوت‌های فرهنگی، بیشتر از مردان، همدلی نشان می‌دهند.^{۸۵} دی آمبروسیو و همکاران^{۸۶} در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که نوجوانان دختر در مقایسه با نوجوانان پسر نمره بالاتری در مقیاس همدلی دریافت می‌کنند.

افرادی که همدلی بیشتر و قوی‌تری دارند به امور دیگران، حساس‌تر بوده و به صورت عاطفی به آنها پاسخ داده و به‌طور کلی، بهترین و بیشترین کمک را فراهم می‌آورند.^{۸۷}

مشخصه عاطفی و روانی همدلی، آگاهی از افکار، احساسات و حالات ذهنی دیگران است که زمینه‌ساز همانندسازی افراد با یکدیگر در عرصه‌های مختلف اجتماعی است.^{۸۸}

عفو، یکی از فضایل مبتنی بر گرمی و صمیمیت است و غالباً در صورتی رخ می‌دهد که فضایل عشق، همدلی، فروتنی و سپاسگزار همراه با آن، در فعالیت باشند.^{۸۹} مک کولو، ورثینگتون و راجال^{۹۰} به‌طور تجربی، رابطه بین همدلی و عفو و گذشت را ثابت کرده و نشان داده‌اند که: ۱. همدلی در ایجاد رابطه عذرخواهی گذشت، وساطت می‌کند، ۲. مداخله‌های مربوط به عفو مبتنی بر همدلی، بیشتر از مداخله‌های غیرمبتنی بر همدلی (و نیز بیشتر از مواردی که مداخله‌ای صورت نمی‌گیرد) به عفو و گذشت می‌انجامد، ۳. قطع‌نظر از نوع مداخله‌ای که صورت می‌پذیرد، هر قدر همدلی بیشتر باشد عفو و گذشت نیز موفقیت‌آمیزتر خواهد بود.

ریشه بسیاری از رفتارهای نوع‌دوستانه، همدلی است. بستون و همکاران،^{۹۱} روابط مثبتی بین همدلی و رفتارهای نوع‌دوستانه و گرایش به یاری‌رسانی دیگران در قالب رفتارهای مدنی-سازمانی، گزارش کرده‌اند.^{۹۲} همدلی و اکتساب آن از مؤلفه‌های ضروری و اساسی برای تحول رفتارهای جامعه‌یار است. پژوهشگران رابطه معناداری بین شکل‌های مختلف رفتار جامعه‌یار و همدلی نشان داده‌اند.^{۹۳} انسان در جریان یک ارتباط عاطفی و همدلانه می‌تواند عواطف و احساسات خود را کنترل و رفتار خود را با انتظارات افراد جامعه، هماهنگ و سازگار سازد.^{۹۴} از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که شدت و ضعف آن در تعیین میزان کمک (رفتار حمایتی) شخص مؤثر است، مؤلفه همدلی است. انسان‌ها در همدلی متفاوت‌اند؛ برخی از آنان عمیقاً از ناراحتی دیگران متأثر شده تا جایی که آن را ناراحتی خود به حساب می‌آورند و برخی دیگر، مثل جامعه‌ستیزان، کاملاً بی‌اعتنا بوده و تحت تأثیر حالات عاطفی دیگران قرار نمی‌گیرند.^{۹۵}

کالیوپسکا^{۹۶} دریافته است که دانشجویان با احساس همدلی زیاد، در مقایسه با دانشجویانی که کمترین حد همدلی را دارند، نگرش‌های مثبت‌تری به رفتارهای موجب سلامتی داشته، شیوه رفتاری آنها سالم‌تری بوده، از حرمت خود بهتری بهره‌مند بوده و احتمال سیگار کشیدن و مصرف الکل در آنها کمتر است. سیمور فشاخ^{۹۷} نیز در مطالعه خود در زمینه همدلی به رابطه‌ای مشخص بین همدلی و رفتار پرخاشگرانه دست یافته

است. او عقیده دارد بهترین شیوه کنترل پرخاشگری و کاهش خشونت در جامعه، پرورش همدلی است. تجربه برقراری ارتباط عاطفی مناسب یا دلبستگی و همدلی به فرد دیگر، در شیوه سازگاری فرد بسیار مهم است.^{۹۸}

یکی از مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین و فرزندان، همدلی است.^{۹۹} همدلی مادران و دختران رابطه منفی معناداری با اختلالات رفتاری دختران دارد. این رابطه تحت تأثیر موقعیت اقتصادی خانواده قرار ندارد.^{۱۰۰} همچنین ارتباط مثبت و معناداری بین عاطفی^{۱۰۱} و نقش‌پذیری^{۱۰۲} کودکان، و نیز هر دو با تفکر تخیلی، وجود دارد، ضمن اینکه گزارش‌های رفتارهای مثبت کودکان در خانواده و مدرسه، متناسب با میزان همدلی آنهاست.^{۱۰۳}

سالووی^{۱۰۴} نیز دریافته است که هوش هیجانی بالا رابطه مستقیمی با همدلی و رضایت بین شخصی بالا، سبک‌های کنارآمدن سازش‌یافته، افسردگی و اضطراب اجتماعی پایین، دارد.^{۱۰۵} ابوالقاسمی^{۱۰۶} نیز در پژوهش خود به این نکته رسیده است که مقیاس همدلی، توان پیش‌بینی و سنجش هوش هیجانی، اضطراب، افسردگی و استرس نوجوانان را دارد. تحقیقات نشان داده‌اند که همدلی تحت تأثیر عوامل مختلف شخصیتی و موقعیتی قرار می‌گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل ژنتیکی، عوامل مرتبط با جنس، یادگیری و عوامل فرهنگی اشاره کرد.^{۱۰۷} برخی محققان پاسخ‌های بیش از هشتصد جفت از دوقلوهای یک تخمکی و دو تخمکی را درباره میزان همدلی بررسی کرده‌اند. مؤلفه‌های مهم همدلی، مثل نگرانی توأم با همدردی و ناراحتی شخصی، از عوامل ژنتیکی حاصل می‌شوند. محققان تخمین زده‌اند که ۲۸ درصد تفاوت‌های میان افراد در نگرانی همدلانه و ۳۲ درصد تفاوت‌ها در نگرانی‌های شخصی، ژنتیک هستند.^{۱۰۸} گرچه داده‌های تجربی کاملاً هماهنگ نیست، لکن شواهدی وجود دارد که دلبستگی ایمنی‌بخش با ویژگی‌های آینده فرد، از قبیل عواطف مثبت، همدلی، حرمت نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان پیوند دارد.^{۱۰۹}

سروف^{۱۱۰} چنین بیان می‌دارد که کودکان دارای دلبستگی ایمن، توانایی برای همدلی و همدل بودن را درونی می‌سازند. کنش متقابل همدلانه کودک و مادر سبب می‌شود که کودک چیزهایی درباره احساس اعتماد و دوستی، درک دیدگاه دیگران و توجه و همدلی با

دیگران در روابط اجتماعی یاد بگیرد.^{۱۱۱} تعاملات غیرمناسب (غیرایمن مادر و کودک) ویژگی‌هایی را در کودک ایجاد می‌کند که شامل ناتوانی در تشخیص و درک هیجان‌های خود و دیگران، ضعف در تنظیم هیجان‌های خود و اشکال در توانایی همدلی و حل مسائل و تعارض‌هاست. و از آنجا که این عوامل از مؤلفه‌های اصلی هوش هیجانی است، مجموع ضعف در این مهارت‌ها به تضعیف هوش هیجانی منجر می‌شود.^{۱۱۲} پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همدلی عاطفی کودکان، ارتباط معناداری با درک همدلانه آنها از سوی والدین دارد،^{۱۱۳} و نیز رابطه معناداری بین توانایی همدلی مادران و دختران وجود دارد.^{۱۱۴} احمدی،^{۱۱۵} ایجاد و رشد همدلی والدین با فرزندان را نیازمند تلاش در سه بعد مهم شناختی، عاطفی و ارتباطی می‌داند:

۱. مؤلفه شناختی همدلی، والدین را ملزم می‌سازد که رفتار فرزند را دقیقاً مشاهده کرده و از معنای مشاهده‌های خود آگاهی یابند. همدلی نیازمند آشنایی با تجربه رفتاری فرزند و نیز اطلاع از آثار آن رفتار است؛ اطلاعاتی، نظیر آثار رفتار فرزند بر افکار و عواطف او هنگام رویارویی با مسائل مختلف زندگی.

۲. مؤلفه عاطفی همدلی، نیازمند حساسیت به احساسات فرزند و گوش دادن به گفته‌های او درباره احساسات خویش است. این احساسات در قالب کلام، حرکات یا اعمال فرزند جلوه‌گر می‌شود. این مؤلفه‌ها نیازمند هماهنگی دریافت‌های والدین از عواطف فرزند با رفتارهای فرزند است.

۳. مؤلفه ارتباطی همدلی، متمرکز بر انتقال این نکته به فرزند است که والدین او را درک کرده، حقایق درباره تجارب و رفتارهای فرزند دانسته و احساسات کنونی او را دقیقاً درک می‌کنند. به عبارت دیگر، همدلی مستلزم آن است که به گونه‌ای به فرزند منتقل شود که والدین او را درک می‌کنند.

پژوهشگران دریافته‌اند که رابطه مثبت و معناداری بین همدلی نوجوانان و رفتارهای حمایتی والدین، وجود دارد.^{۱۱۶} بر اساس تحقیقی درباره آن دسته از مردم چین که در هنگ‌کنگ زندگی می‌کنند (سنین ۱۶-۷۸ سال) افرادی که در یک خانواده منسجم رشد کرده‌اند، احساسات همدلی آنان بیشتر پرورش یافته است و به رفاه حال والدین خود، احساس مسئولیت بیشتری دارند.^{۱۱۷} به نظر بارون و بایرن^{۱۱۸} همدلی، بخش مهمی از

خودپنداره افرادی است که خویش را درگیر رفتار حمایتی می‌کنند. این افراد، خویشتن را انسان‌هایی مسئول و دارای مهار خود و کسانی که می‌خواهند برداشت خوبی از خویش به جای بگذارند و هم‌رنگ و شکیبیا، توصیف می‌کنند.

از نظر اسلام، بخش مهمی از نیازهای اساسی انسان، نیازهای عاطفی است که با اولین مؤلفه رفتار حمایتی، یعنی همدلی، ارتباط دارد. بسیاری از اختلالات و نارسایی‌های شخصیتی، خلقی و رفتاری، در بی‌توجهی به این نیاز اساسی و کمبود آن ریشه دارد. همه انسان‌ها نیازمند محبت، عاطفه و توجه دیگرانند و همچنین نیازمندند که برای پرورش کمالات انسانی در خود، به دیگران محبت کرده و دیگران را از عاطفه و توجه خویش بهره‌مند سازند. اسلام به‌عنوان دینی جامع، توجه کافی به این نیاز اساسی را مبذول داشته است و تربیت انسان‌هایی حساس نسبت به نیازهای عاطفی دیگران را وجه همت خویش قرار داده و از طریق ایجاد نگرش صحیح به مسئله و ترغیب آنان و نیز ارائه الگوهای عملی، کوشیده است برای برآوردن این نیاز اساسی بسترهای مناسب را فراهم آورد.^{۱۱۹} در آموزه‌های اسلامی توجه به این نیاز، گاهی به صورت مستقل و یگانه مطرح شده است:

امام علی علیه السلام: بهترین احسان، همدلی با برادران ایمانی است.^{۱۲۰}

امام صادق علیه السلام: با همدلی و یاری برادران ایمانی‌تان به خدا نزدیک شوید.^{۱۲۱}

امام صادق علیه السلام: «دو خصلت است که در هر که نباشد، از او دوری کن، دوری کن، دوری کن! عرض شد: آن دو چیست؟ فرمود: نماز به وقت و مواظبت کردن بر آن و همدلی (و یاری برادران).»^{۱۲۲}

علی علیه السلام: «جوانمردی، یعنی عدالت در حکومت و گذشت کردن با وجود توانایی بر انتقام، و همدلی در معاشرت (یا همدلی و یاری در دشواری) است.»^{۱۲۳}

در بسیاری از موارد به صورت ضمنی و تبعی - که در واقع حاکی از نوعی نگاه ظریف به مسئله است - به ارضای این نیاز توجه شده است. به عبارت دیگر، در موارد بسیاری نوعی تداخل بین توجه به نیازهای مختلف انسان دیده می‌شود، چنان‌که در مورد خود نیازها هم چنین تداخلی مشاهده می‌شود. برای مثال، فرد ناتوانی که می‌خواهد بار سنگینی را از جایی به جایی ببرد و پول کافی برای استخدام باربر ندارد و در عین حال از نظر

روحی و عاطفی کاملاً خسته و افسرده است و از بی‌کسی و ناتوانی و بی‌پولی خود شکوه می‌کند، هم نیاز اقتصادی دارد، هم نیاز بدنی و هم نیاز عاطفی. در چنین موردی اگر کسی به او کمک مالی کند، از نظر بدنی و عاطفی نیز او را حمایت کرده است. همچنین اگر در حمل بارش شخصاً به او کمک کند، این کمک، حمایت عاطفی و اقتصادی را نیز دربر می‌گیرد. براین اساس، قرآن کریم از تصمیم بر عدم حمایت مالی از برادران مؤمن، نهی می‌فرماید:

آنها که از میان شما دارای برتری (مالی) و وسعت زندگی هستند نباید سوگند یاد کنند که از انفاق نسبت به نزدیکان و مستمندان و مهاجران در راه خدا دریغ نمایند، آنها باید عفو کنند و چشم ببوشند. آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! و خداوند آمرزنده و مهربان است.^{۱۲۴}

همچنین پیامبر اکرم ﷺ دربارهٔ ثواب قرض دادن به برادر مؤمن می‌فرماید:

کسی که به برادر مؤمن خود قرض بدهد، در برابر هر دره‌می که قرض داده، هم وزن کوه أُحد، رضوان و طور سینا، حسنات خواهد داشت و اگر برای بازپس‌گیری آن مدارا کند، از پلِ صراط همچون برق جهنده، بدون حساب و عذاب خواهد گذشت.^{۱۲۵}

امام صادق ؑ نیز می‌فرماید: «نمی‌خواهی مکارم اخلاق را برای تو باز گویم: گذشت از خطاهای مردم، همدلی مرد با برادرش (و یاری او) با مال، بسیار به یاد خدا بودن.»^{۱۲۶} و در ادامه می‌فرمایند: البته این کار ساده‌ای نیست و مردم عادی طاقت آن را ندارند.^{۱۲۷}

همچنین علی ؑ دربارهٔ حمایت مالی از ایتم می‌فرماید:

خدا را! خدا را! درباره یتیمان، نکند آنان گاهی سیر و گاهی گرسنه بمانند و حقوقشان ضایع شود. به راستی از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند بهشت را برای او واجب می‌کند.^{۱۲۸}

همین‌طور امام صادق ؑ در خصوص پناه دادن به دورافتادگان از وطن، به ابن‌جندب فرموده‌اند: «خدای عزوجل فرمود: همانا نماز کسی را قبول می‌کنم که دور از وطن را پناه دهد.»^{۱۲۹}

البته مواردی هم هست که حمایت عاطفی در آنها وجه غالب رفتار حمایتی است،

مانند کشیدن دست نوازش بر سر یتیم. در این‌باره حضرت رسول ﷺ فرموده‌اند:

هر که قساوت قلب داشته باشد که گریه‌اش نیاید و از این معنا راضی نباشد پس باید که نزدیک خود آورد یتیمی را و با او مهربانی کند و دست بر سر او بمالد که نرم می‌شود دل او به اذن الهی - تعالی شانه - به درستی که یتیم را حقی عظیم هست.^{۱۳۰}

حتی صرف عیادت بیمار بدون توجه و تلاش در مورد برآوردن نیازهای دیگر او، از مواردی است که به آن سفارش شده است، چنان‌که رسول خدا ﷺ تأکید فرموده که مسلمانان در تشییع جنازه شرکت کرده و به عیادت بیمار بروند.^{۱۳۱}

در مورد اکرام سالمندان نیز تأکید شده و فرموده‌اند: «هر گاه یکی از آن دو یا هر دو آنها نزد تو به سن پیری و شکستگی برسند (آنچنان که نیازمند به مراقبت تو باشند) کمترین اهانتی به آنان مکن».^{۱۳۲}

امام رضا ﷺ از رسول‌الله ﷺ روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «بزرگان را احترام کرده و بر کودکان رحم آورید، وظیفه خود را در قبال خویشان نزدیک به جای آورید و بر آن مراقب باشید».^{۱۳۳}

در موارد اندکی نیز حمایت صرفاً جنبه عاطفی دارد، مثل مواردی که توصیه می‌شود مؤمنان از تباطع عاطفی نزدیک با یکدیگر داشته باشند: «همانا، مؤمنین برادران یکدیگرند»^{۱۳۴} یا «با یکدیگر مهربان و عطف‌اند».^{۱۳۵}

همچنین سفارش شده که همسران نسبت به یکدیگر اظهار محبت کرده و آن را بر زبان بیاورند. رسول‌خدا ﷺ فرموده‌اند: «از خدا درباره دو ناتوان بترسید: یتیم و زن؛ به درستی که بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد».^{۱۳۶}

همچنین امام صادق ﷺ فرموده‌اند: «زنانتان را دوست بدارید».^{۱۳۷} رسول‌خدا ﷺ نیز در بیانی دیگر فرموده‌اند: «این سخن مرد به زن که دوستت دارم هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود».^{۱۳۸}

همین‌طور رسول گرامی به والدین توصیه می‌کند که فرزندان خویش را به دور از خرافات جاهلی و به شکل فراجنسیتی دوست بدارند: «کسی که دختر بچه خود را شادمان کند مانند کسی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل ذبیح را آزاد کرده باشد».^{۱۳۹}

فرهنگ اسلامی از طریق ارائه نگرش‌ها و بینش‌های مثبت به رفتار حمایتی، و بینش‌های منفی به بی‌اعتنایی به گرفتاری‌های دیگران و عدم کمک به نیازمندان از یک‌سو، و از طریق برانگیختگی عاطفی و بالا بردن حساسیت‌ها و تهییج روانی از سوی دیگر،

می‌کوشد که افراد را از نظر شخصیتی آن‌گونه تربیت کند که با دیگران همدلی داشته باشند.^{۱۴۰}

به هر حال، در منابع اسلامی موارد بسیاری وجود دارد که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به موضوع رفتار حمایتی توجه شده است. رسیدگی به حال ایتم، توصیه به مردان در مورد توجه به همسران خود، عیادت بیماران، توجه خاص به فرزندان دختر، رسیدگی به حال غریب‌ها و از وطن دورافتاده‌ها، توجه خاص به سالمندان، بخصوص والدین و خویشاوندان، از مواردی است که در منابع اسلامی به‌طور گسترده به آن توجه شده است.^{۱۴۱}

این پژوهش در پی کنجکاوی‌ها و مطالعات محقق دربارهٔ حوزه تأثیرهای ویژگی‌های روانی افراد بر رفتارهای اجتماعی آنها، و بررسی رابطه سازه مهمی چون حرمت خود با همدلی (به عنوان ویژگی نافذ در میزان و نوع رفتار اجتماعی) صورت گرفته و نتایج حاصل، در اختیار مراکز تأثیرگذار بر اجتماع قرار می‌گیرد تا با پیگیری بیشتر، راهکاری مناسب برای کنترل رفتارهای اجتماعی و روشی مناسب برای ایجاد یا اصلاح این رفتارها ارائه کنند. بنابراین، پژوهش درصدد پاسخ این پرسش‌هاست که آیا بین سطح حرمت خود و میزان همدلی در دوره نوجوانی همبستگی وجود دارد؟ آیا بین خرده‌مؤلفه‌های حرمت خود و خرده‌مؤلفه‌های همدلی، همبستگی وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین جنسیت و همبستگی بین حرمت خود و همدلی، وجود دارد؟

روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش پیمایشی استفاده شده است. در این روش، هم به توصیف وضعیت جامعه آماری از نظر متغیرهای خاص توجه شده است و هم به ارتباط برخی متغیرها پرداخته شده تا مشخص شود آیا متغیرهای مورد بحث با یکدیگر ارتباط دارند یا خیر؟ در صورت ارتباط، در چه شرایطی با هم تغییر می‌کنند؟^{۱۴۲} عواملی که می‌توانند بر متغیر وابسته (همدلی) تأثیر بگذارند، به مثابه متغیر مستقل و تعدیل‌کننده در نظر گرفته می‌شوند. این متغیرها می‌توانند نمره همدلی فرد را کاهش یا افزایش دهند. گفتنی است که در این تحقیق، نمره‌های حرمت خود به منزله متغیر مستقل، و سایر عوامل، متغیر

تعدیل‌کننده در نظر گرفته شده است. در میزان همدلی، به مؤلفه‌های مختلفی، چون میزان تحصیلات و شغل والدین، شرایط محل سکونت و جنس فرد توجه شده است.

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌آموزان کلاس سوم مقطع راهنمایی شهر مقدس قم است. حجم نمونه، ۲۲۰ نفر (۱۱۶ دختر و ۱۰۴ پسر) ۱۵-۱۶ سال است. نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول، واحد نمونه‌گیری، مدرسه بوده که به صورت تصادفی از میان مدارس راهنمایی دو ناحیه آموزشی متفاوت شهر (ناحیه ۳ و ناحیه ۴)، ۴ مدرسه (۲ مدرسه پسرانه و ۲ مدرسه دخترانه) انتخاب شده است. در مرحله دوم، واحد نمونه‌گیری، کلاس بوده که به صورت تصادفی از میان کلاس‌های هر مدرسه انتخاب شده است. لازم به ذکر است که ۲۶ پرسش‌نامه ناقص، کنار گذاشته شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات

ابزار گردآوری اطلاعات متغیر مستقل، پرسش‌نامه حرمت خود کوپر/اسمیت است. کوپر/اسمیت (۱۹۶۷م) مقیاس حرمت خود را بر اساس تجدیدنظری که روی مقیاس راجر و دیموند انجام داد، تهیه کرده است. فرم اصلی (A) این پرسش‌نامه ۵۸ سؤال دارد که ۸ ماده آن، یعنی شماره‌های ۶ و ۵۵، ۴۸، ۴۱، ۳۴، ۲۷، ۲۰، ۲۰، ۱۳، دروغ‌سنج است و برای کودکان و نوجوانان ۱۵-۱۶ سال به کار می‌رود. هرچند با تغییر عبارت‌ها برای سنین بالاتر نیز قابل اجراست. پنجاه ماده این آزمون، شامل چهار خرده‌مقیاس است که عبارت‌اند از: خودعمومی (کلی)، خوداجتماعی (همگنان)، خودخانوادگی (والدین)، خودمدرسه‌ای (تحصیلی). کوپر/اسمیت اعتبار این آزمون را ۰/۸۸ و روایی آن را ۰/۷۰ نشان داده است.

شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت صفر و یک است؛ به این معنا که ماده‌های شماره ۲، ۴، ۵، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۶، ۴۵، ۴۷ و ۵۷ پاسخ بلی، یک نمره و پاسخ خیر، صفر می‌گیرد و بقیه پرسش‌ها به صورت معکوس است؛ یعنی پاسخ خیر آنها، یک نمره و پاسخ بلی، صفر می‌گیرد. بدیهی است که حداقل نمره‌هایی که یک فرد می‌تواند بگیرد صفر و حداکثر پنجاه، خواهد بود. چنانچه پاسخ‌دهنده از هشت ماده دروغ‌سنج، بیش از چهار نمره بیاورد، بدان معناست که اعتبار آزمون پایین بوده و آزمودنی سعی کرده است خود را بهتر از چیزی که هست جلوه دهد.

ابزار گردآوری اطلاعات مربوط به متغیر وابسته «همدلی»، پرسش‌نامه «فهرست واکنش‌های بین فردی» دیویس^{۱۴۳} است. این ابزار خودسنجی، ۲۱ جمله و سه خرده‌مقیاس دارد که عبارت‌اند از: نگرانی همدلانه^{۱۴۴} (این مفهوم اشاره دارد به عواطف دیگرگرای حاصل شده از درک نیاز دیگری^{۱۴۵}، دیدگاه‌پذیری^{۱۴۶} (توانایی درک چیزها (اشیا و اتفاقات) از نگاه دیگران؛ نه از نگاه خود یا توانایی ما در درک تفکر، احساسات و هیجانات دیگران) و اندوه شخصی^{۱۴۷} (واکنش منفی و هیجانی متمرکز بر خود، مانند اضطراب، نگرانی، ناراحتی؛ به سبب درک یا فهم وضعیت عاطفی یا شرایط احساسی دیگران).^{۱۴۸}

همچنین دیویس در سال ۱۹۸۰ و ۱۹۹۴م، ضریب آلفای کرونباخ را برای هر سه خرده‌مقیاس بین ۰/۷۱-۰/۷۷ گزارش کرده است. او پایایی آزمون-آزمون مجدد را نیز پس از یک دوره چهار هفته‌ای، بین ۰/۶۲ - ۰/۸۰ گزارش نموده است.^{۱۴۹} شیوه نمره‌گذاری این آزمون به صورت چهارنمره‌ای است؛ به این معنا که گزینه‌های الف تا د، به صورت مستقیم و معکوس، نمره‌های ۱-۴ دریافت می‌کنند. ماده‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰ و ۲۱ به صورت مستقیم و بقیه پرسش‌ها (۴، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۴ و ۱۵) به صورت معکوس نمره دریافت می‌کنند. بدیهی است که حداقل نمره‌هایی که یک فرد می‌تواند بگیرد ۲۱، و حداکثر ۸۴ خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱، تعداد شرکت‌کنندگان، حداقل و حداکثر امتیاز، میانگین و انحراف استاندارد نمره‌های به‌دست آمده از متغیر حرمت خود و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها، ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای حرمت خود و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها

تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	
۱۹۴	۷۰۰	۴۶۰۰	۳۱۰۴۴	۷۰۱۶	حرمت خود
۱۹۴	۳۰۰	۲۵۰۰	۱۶۰۴۳	۴۰۶۸	حرمت خود کلی
۱۹۴	۰۰	۸۰۰	۵۰۰۴	۱۰۷۶	حرمت خود تحصیلی
۱۹۴	۱۰۰	۷۰۰	۴۸۹	۱۰۵۰	حرمت خود اجتماعی
۱۹۴	۰۰	۸۰۰	۵۰۰۷	۱۰۹۸	حرمت خود خانوادگی
۱۹۴	۴۰۰۰	۸۱۰۰	۶۱۰۹۵	۶۸۸	همدلی
۱۹۴	۱۰۰۰	۲۷۰۰	۱۸۰۶۴	۳۵۰	اندوه شخصی
۱۹۴	۱۰۰۰	۲۸۰۰	۲۰۰۳۷	۳۶۱	دیدگاه‌پذیری
۱۹۴	۱۱۰۰	۲۸۰۰	۲۲۰۹۴	۳۰۴۴	نگرانی همدلانه

برای پاسخ به این سؤال که آیا همبستگی مثبت بین سطوح حرمت خود و همدلی، وجود دارد، از ضریب همبستگی استفاده شده که نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: همبستگی میان سطح حرمت خود و میزان همدلی و زیرمقیاس‌های آنها

متغیرها	حرمت خود	ضریب تعیین	حرمت خود کلی	ضریب تعیین	حرمت خود تحصیلی	ضریب تعیین	حرمت خود خانوادگی	ضریب تعیین	حرمت خود اجتماعی	ضریب تعیین
همدلی	-.۰۴۳		-.۰۸۴		-.۰۲۷		.۰۳۱		.۰۱۴	
اندوه شخصی	-.۲۹۴xx	.۰۹	-.۲۹۰xx	.۰۸	-.۲۱۳xx	.۰۵	-.۱۶۵x	.۰۳	-.۱۵۲x	.۰۲
نگرانی همدلانه	-.۰۱۷		-.۰۱۴		-.۰۷۰		.۰۳۴		-.۰۰۵	
دیدگاه‌پذیری	.۲۲۰xx	.۰۵	.۱۳۵		.۲۲۱xx	.۰۵	.۱۸۸xx	.۰۴	.۱۸۰x	.۰۳

P<0.05 * P<0.01 ** N=194

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه‌شده بین سطح حرمت خود و زیرمقیاس‌های آن (حرمت خودکلی، حرمت خودتحصیلی، حرمت خودخانوادگی و حرمت خوداجتماعی) با میزان همدلی و زیرمقیاس‌های آن (اندوه شخصی، نگرانی همدلانه و دیدگاه‌پذیری)، مشخص می‌شود که سطح حرمت خود با میزان همدلی رابطه‌ای ندارد، اما میزان اندوه شخصی با سطح حرمت خود و همه زیرمقیاس‌های آن، رابطه معکوس و معناداری دارد و رابطه مثبت و معناداری بین میزان دیدگاه‌پذیری با سطح حرمت خود و زیرمقیاس‌های حرمت خودتحصیلی، حرمت خودخانوادگی و حرمت خوداجتماعی وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح حرمت خود و زیرمقیاس‌های آن، میزان اندوه شخصی کاهش یافته و بر میزان دیدگاه‌پذیری افزوده خواهد شد. به منظور بررسی سؤال سوم که «آیا رابطه‌ای بین جنسیت و همبستگی بین حرمت خود و همدلی، وجود دارد؟» از ضریب همبستگی کمک گرفته شده و نتایج به‌دست آمد در جدول‌های ۳ و ۴ بیان شده است.

جدول ۳: همبستگی میان سطح حرمت خود و میزان همدلی و زیرمقیاس‌های آنها در بین پسران

متغیرها	حرمت خود	ضریب تعیین	حرمت خود کلی	ضریب تعیین	حرمت خود تحصیلی	ضریب تعیین	حرمت خود خانوادگی	ضریب تعیین	حرمت خود اجتماعی	ضریب تعیین
همدلی	-.۰۴۴		-.۱۰۶		.۰۳۰		.۰۴۵		-.۰۱۹	
اندوه شخصی	-.۲۶۸xx	.۰۷	-.۲۳۸x	.۰۶	-.۱۸۵		-.۱۳۰		-.۲۱۲x	.۰۶
نگرانی همدلانه	.۰۱۳		-.۰۰۱		.۰۱۴		.۰۵۰		-.۰۱۶	
دیدگاه‌پذیری	.۱۷۸		.۰۳۸		.۲۳۸x	.۰۶	.۱۷۶		.۲۰۰	

P<0.05 * P<0.01 ** N=94

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه‌شده بین متغیرهای حرمت خود و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها، مشخص می‌شود که ارتباط معکوس و معناداری بین سطوح حرمت

خود و زیرمقیاس‌های حرمت خودکلی و اجتماعی پسران با میزان اندوه شخصی آنها وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح حرمت خود، حرمت خودکلی و اجتماعی در پسران، تنها میزان اندوه شخصی آنها کاهش پیدا می‌کند و به عکس، اما سطح حرمت خود و دو زیرمقیاس آن با میزان دیدگاه‌پذیری و نگرانی همدلانه رابطه‌ای ندارد. ضریب محاسبه‌شده نشان می‌دهد که سطح حرمت خود تحصیلی پسران نیز تنها بر دیدگاه‌پذیری آنها اثر مثبت و معناداری دارد. همچنان‌که جدول شماره ۳ نشان می‌دهد، نگرانی همدلانه پسران، با سطح حرمت خود و زیرمقیاس‌های آن رابطه‌ای ندارد.

جدول ۴: همبستگی میان سطح حرمت خود و میزان همدلی و زیرمقیاس‌های آنها در بین دختران

متغیرها	حرمت خود	ضریب تعیین	حرمت خود کلی	ضریب تعیین	حرمت خود تحصیلی	ضریب تعیین	حرمت خود خانوادگی	ضریب تعیین	حرمت خود اجتماعی	ضریب تعیین
همدلی	-0.18		-0.32		-0.73		.032		.044	
اندوه شخصی	-.315**	.10	-.332**	.11	-.237*	.06	-.193		-.091	
نگرانی همدلانه	-.009		.022		-.135		.036		.003	
دیدگاه‌پذیری	.265**	.07	.226*	.05	.210*	.04	.202*	.04	.162	

P < 0.05 *

P < 0.01 **

N=100

بر اساس ضریب همبستگی محاسبه شده بین متغیرهای حرمت خود و همدلی و زیرمقیاس‌های آنها، مشخص می‌شود که رابطه معکوس و معناداری بین سطوح حرمت خود و زیرمقیاس‌های حرمت خود کلی و تحصیلی دختران با میزان اندوه شخصی آنها، وجود دارد. به عبارت دیگر، با افزایش سطح حرمت خود، حرمت خود کلی و تحصیلی در دختران، تنها میزان اندوه شخصی آنها کاهش پیدا کرده و به عکس، اما سطح حرمت خود و دو زیرمقیاس آن با میزان دیدگاه‌پذیری و نگرانی همدلانه رابطه‌ای ندارد. ضریب محاسبه شده نشان می‌دهد که سطح حرمت خود، حرمت خود کلی، تحصیلی و خانوادگی دختران ارتباط مثبت و معناداری با میزان دیدگاه‌پذیری آنها دارد. همچنان‌که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، نگرانی همدلانه دختران، با سطح حرمت خود و زیرمقیاس‌های آن رابطه‌ای ندارد. حرمت خود، حرمت خود کلی و تحصیلی در دختران، ۱۱/۵ درصد تغییرهای اندوه شخصی آنها و حرمت خود، حرمت خود کلی، تحصیلی و خانوادگی دختران، ۷/۲ درصد تغییرهای دیدگاه‌پذیری ایشان را تبیین کرده و بقیه را عوامل دیگر تبیین می‌کند.

به منظور بررسی نقش عامل جنسیت در میزان همدلی دو گروه آزمودنی از آزمون t استفاده شده که نتایج آن در جدول ۵ منعکس شده است.

جدول ۵: مقایسه میانگین همدلی بین دختران و پسران

جنس	میانگین	مقدار F	سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
دختر	۶۲.۲۲۵۲	.۳۱۴	.۵۷۶	۲.۱۲۳	۱۷۲	.۰۳۵
پسر	۶۰.۰۸۳۳					

همان‌طور که در جدول ۵ آمده است، میزان همدلی تفاوت معناداری بین دو گروه دختران و پسران وجود دارد. بنابراین، می‌توان گفت که عامل جنسیت با میزان همدلی رابطه دارد.

نتیجه‌گیری

فقدان رابطه معنادار بین متغیرهای حرمت خود و همدلی را می‌توان چنین تبیین کرد: از یک طرف حرمت خود در دو سطح صلاحیت خود و علاقه به خود، قابل جداسازی است و در سطح علاقه به خود، رشدیافتگی علاقه به خود، نوعی احساس ارزش اجتماعی است که فرد درون خود آن را تجربه می‌کند. از طرف دیگر، همدلی سازه‌ای چندبعدی است که شامل توانایی برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران، احساسات همدلانه دیگر محور و نگرانی برای افراد درمانده و نیز احساس نگرانی و تنش در شرایط بین فردی است. اما آزمودنی‌ها در این پژوهش (که در آغاز مرحله نوجوانی به سر می‌برند) به سبب عدم رشدیافتگی لازم در توسعه دادن مفهوم خود (طبق آنچه آلپورت آن را از ویژگی‌های انسان پخته و رشدیافته معرفی می‌کند) نتوانسته‌اند همبستگی لازم را بین این دو متغیر نشان دهند، این درحالی است که انتظار می‌رفت همبستگی مناسبی بین حرمت خود و همدلی مشاهده شود، همان‌طور که از جمله ویژگی‌های مراحل رشد اخلاقی از نظر کلبگ نیز وجود تناسب رشد اخلاقی با رشد قابلیت‌های شناختی بوده و این قابلیت و توانایی مرهون دستیابی نوجوان به تفکر انتزاعی است. بنابراین، پیش‌بینی می‌شود که اگر در پژوهشی دیگر، رابطه این دو متغیر را در آزمودنی‌های دیگری که به پایان دوره انتزاعی رسیده‌اند، انجام گیرد شاید به نتایج دیگری (احتمالاً به رابطه معنادار مثبتی) دست یافت. ضمناً تاکنون محقق نتوانسته به پژوهشی دست یابد که رابطه این دو متغیر را بررسی کرده باشد.

داشتن رابطه مثبت معنادار بین میزان دیدگاه‌پذیری با سطح حرمت خود، حکایت از آن دارد که آزمودنی‌های پژوهش حاضر توانسته‌اند آمادگی لازم را برای در نظر گرفتن دیدگاه دیگران (که یکی از مؤلفه‌های سازه همدلی است) به دست آورند، هرچند برای داشتن رابطه مثبت معنادار با سازه همدلی، نیازمند گذر زمان و رسش کافی از نظر شناختی و عاطفی هستند.

یافته دیگر تحقیق حاضر حکایت از آن دارد که جنسیت با میزان همدلی رابطه دارد و دختران بیش از پسران از همدلی بهره‌مند هستند. این یافته را بر اساس اصل تفاوت‌های فردی بین زن و مرد می‌توان چنین تبیین کرد که غلبه بعد عاطفی در دختران، و حساس‌تر و ظریف‌تر بودن جنس مؤنث، زودتر و بیشتر از پسران تحت تأثیر قرار گرفته و در نتیجه، این تفاوت معنادار را نشان داده است. فیض‌آبادی و همکاران^{۱۵۰} نیز طی تحقیقی نشان داده‌اند که همدلی تحت تأثیر عوامل مختلف شخصیتی و موقعیتی قرار می‌گیرد. از جمله این عوامل می‌توان به عوامل ژنتیکی، عوامل مرتبط با جنس، یادگیری و عوامل فرهنگی اشاره کرد. من‌استید^{۱۵۱} نیز نشان داده است که زنان در مقایسه با مردان بیشتر همدلی می‌کنند. جولیف و فارینگتون^{۱۵۲} نیز در پژوهش خود، نمره‌های بالاتری برای دختران، در مقایسه با پسران، در همدلی عاطفی و شناختی نشان داده‌اند. زنان یا به سبب تفاوت‌های ژنتیکی و یا به علت تفاوت‌های فرهنگی، بیشتر از مردان، همدلی نشان می‌دهند.^{۱۵۳} دی‌آمبروسو و همکاران^{۱۵۴} در پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که نوجوانان دختر در مقایسه با نوجوانان پسر در مقیاس همدلی نمره بالاتری دریافت می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. فرشته باعزت، و بهرام صالح صدق‌پور، «مقایسه ابعاد حرمت‌خود در دانش‌آموزان نارساخوان و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدائی شهر تهران»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۶۶.
۲. فیروزه غضنفری، «رابطه مفهوم خود و سلامت روانی در فرهنگ شرق و غرب»، *مجله پژوهش زنان*، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۱۴، ص ۱۲۱.
۳. محمدصادق شجاعی، «رابطه میزان توکل به خدا با حرمت‌خود»، *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی*، ص ۶۶.
4. Coolly, C.
5. Horney, C.
6. Fromm, E.S.
7. Sullivan.
8. Rogers, C.
۹. محمد صادق شجاعی، همان، ص ۶۷ و ۶۸.
۱۰. نورالله محمدی، «بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت‌خود روزنبرگ»، *مجله روان‌شناسان ایرانی*، تابستان ۱۳۸۴، ش ۴، ص ۳۱۴.
۱۱. نورالله محمدی، همان.
۱۲. براندن، ناتانیل، *روان‌شناسی عزت‌نفس*، ترجمه مهدی قراچه‌داغی، تهران، نخستین، ۱۳۷۹.
13. Sheehan, E.
14. Maslow, A.
۱۵. محمد صادق شجاعی، همان، ص ۶۸ و ۶۹.
۱۶. فرشته باعزت و بهرام صالح صدق‌پور، همان، ص ۶۶.
۱۷. مسعود آذربایجانی و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، ص ۱۲۰.
۱۸. مهرانگیز شعاع‌کاظمی، «نقش حرمت‌خود در رفتار کمک‌خواهی دانش‌آموزان»، *معرفت*، آذر ۱۳۸۳ - ش ۸۴، ص ۱۰۸.
19. Waterman, A.S. Identity as an aspect of optimal Psychological functioning-in Adams, G.R., Gullotta, T.P., Montemayor, R(eds), Adolescent identity formation-sage publicatio
20. Kroger, J.
۲۱. عباس رحیمی‌نژاد، «بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت‌خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ش ۱۵۸ و ۱۵۹، ص ۴۸۰.
۲۲. محمدرضا کیومرثی، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با عوامل شخصیت»، *معرفت*، اسفند ۱۳۸۲ - ش ۷۵، ص ۶۸.
23. Spilka God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal for the Scientific Study of Religion* 12: 297-310.
۲۴. عباس رحیمی‌نژاد، همان، ص ۴۸۰.

25. Coopersmith, S. A.

۲۶. محمد علی بشارت، «بررسی رابطه کمال‌گرایی و حرمت‌خود در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی»، *مجله روان‌شناسان ایرانی*، پاییز ۱۳۸۳، ش ۱، ص ۲۲.

27. Lucase, R., Diener, E., and Suh, E. "Discriminant Validity of Subjective Well-Being Measures". *Journal of personality and social psychology* 73:1141-57

۲۸. فیروزه غضنفری، همان، ص ۱۲۱.

۲۹. علی فتحی‌آشتیانی، «ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، *مجله مدرس علوم انسانی*، تابستان ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۵۲.

30. Congus.

۳۱. مهرانگیز شعاع‌کاظمی، همان، ص ۱۰۳.

۳۲. علی فتحی‌آشتیانی، همان، ص ۵۱.

۳۳. مهرانگیز شعاع‌کاظمی، همان.

۳۴. همان، ص ۸۴ و ۸۳.

35. Haffman.

36. Levy.

۳۷. مهرانگیز شعاع‌کاظمی، همان، ص ۱۰۳.

38. self-acceptance.

39. self-competence.

۴۰. محمد علی بشارت، همان، ص ۲۲.

۴۱. مهرانگیز شعاع‌کاظمی، همان، ص ۱۰۳.

42. Pope.A.

43. Mchale.m.s.

۴۴. مهرانگیز شعاعی کاظمی، همان.

44. Comortiya.

۴۶. همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴.

47. Adler, A.

48. Kaplan, H.B.

49. Higgins, s.

50. Bernz.

۵۱ مهتاب بازیاری، «بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله و شرایط اقتصادی و اجتماعی دختران فراری و غیرفراری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، ص ۴۳

52. Monto, M., Zgourides, G. & Harris, R.. Empathy, Self-Esteem, and the Adolescent Sexual Offender, Sexual Abuse: A *Journal of Research and Treatment*, Volume 10, Number 2, 127-140

53. به عنوان نمونه در حدیثی از پیامبر اکرم آمده است: «اطلبوا الحوائج بعز الأنفس» نیازهایتان را با دیگران درمیان بگذارید، اما همراه با حفظ عزت نفس. (نهج الفصاحه، حدیث ۳۲۵).

54. بقره، ۲۶۴.

55. مسعود آذربایجانی، همان، ص ۱۲۵.

56. محمد صادق شجاعی، همان.

57. عبدالواحد محمد التیمی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۲، ح ۳۷۳.

58. محمد باقر مجلسی، بحارالأنوار، ج ۷۲، ص ۶۸، ح ۷.

59. ابو محمد الحسن الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول، ص ۲۸۵.

60. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۷۸.

61. عبدالواحد محمد التیمی، همان، ص ۵۲، ح ۵۶۵۷.

62. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۳۰۰، ح ۱۱.

63. محمد صادق شجاعی، همان، ص ۱۴۸-۱۵۱.

64. Vischer, R.

65. Lipps, T.

66. Macmillan, P. *International Dictionary of Psychoanalysis*, Volume 1: empathy, Gale, Michigan

67. Freud, S.

68. Titchener, E.B.

69. Macmillan, op.cit

70. Greenson, R.

71. Racker, H.

72. Heimann, P.

۷۳. محمد صادق شجاعی، همان.

74. Buie, Dan H. Empathy: Its nature and limitation. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 29, 281-307

75. Widlöcher, Daniel. L'analyse cognitive du silence en psychanalyse: Quand les mots viennent à manquer. *Revue internationale de psychopathologie*, 12, 509-528

۷۶. محمدرضا احمدی، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، معرفت، مرداد ۱۳۸۵، ش ۱۰۴، ص ۲۱.

۷۷. مسعود آذربایجانی و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، ص ۳۴۹.

۷۸. محسن گل‌پرور و دیگران، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۲، ص ۱۴۷.

79. Trobst K.K., Collins R.L., & Embree J.M. The role of emotion in social support provision: Gender, empathy and expressions of distress. *Journal of social and Personal Relationships*, 11, 45-62

80. Fechbak, S.

۸۱. زهرا درویش، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، *مجله علمی پژوهشی زنان*، سال اول، ش ۳، زمستان ۱۳۸۲، ص ۳۷.

82. Davis M.H., Luce C., & Kraus S.J. The heritability of characteristics associated with dispositional empathy. *Journal of Personality*, 62, 369-391.
83. Manstead, A, Gender differences in emotion. In: A. Gale and M.W. Eysenck, Editors, Handbook of individual differences biological perspectives, Wiley, Oxford
۸۴. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۰.
85. Trobst K.K., Collins R.L., & Embree, op.cit
86. D'Ambrosio, F, Olivier, M, Didon, D & Besche, C, The basic empathy scale: A French validation of a measure of empathy in youth, *Personality and Individual Differences*, 46 (2), 160-16
۸۷. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۴۹ و ۳۵۰.
۸۸. محسن گل‌پرور و دیگران، همان، ص ۱۳۶.
۸۹. ورثینگتون، اورت ال و دابلیو.بری، جک و پاورت، لس و مجتبی حیدری، (مترجم)، «کینه‌توزی، گذشت، دین و سلامتی»، *مجله نقد و نظر*، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ش ۳۳ و ۳۴، ص ۲۶۸.
90. McCullough, M. E., Worthington, E. L., Jr, & Rachel, K. C. Interpersonal forgiveness in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 321-326
91. Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., & Neuringer-Benfiel. Where is the altruism in the altruistic personality? *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 212-220
۹۲. محسن گل‌پرور و دیگران، همان، ص ۱۳۷.
93. Jolliffe, D & Farrington, D.P, Developmental and validation of the basic empathy scale, *Journal of Adolescence*, 29 (4), 589-611
۹۴. زهرا درویزه، همان، ص ۳۱.
۹۵. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۴۹.
96. Kalliopuska, M. Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy. *Psychological Reports*, 70, 1119-1122
97. Feshbach, N. D., & Feshbach, S. The relationship between empathy and aggression in two age groups. *Developmental Psychology*. P: 127-192
۹۸. زهرا درویزه، همان، ص ۳۱.
۹۹. محمدرضا احمدی، همان، ص ۲۱.
۱۰۰. زهرا درویزه، همان، ص ۳۰.
101. Emotional empathy
102. Role taking
103. Strayer, J & Roberts, W, Children's Empathy and Role Taking: Child and Parental Factors, and Relations to Prosocial Behavior, *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 10, Issue 2, P 227-239
104. Salovey, P, Stroud, L R, Woolery, A and Epel, E S. "Perceived emotional intelligence, stress reactivity, and symptom reports", *Psychology and Health*, vol. 17 no.5, pp.611-627.
۱۰۵. ولی الله رضائی و دیگران، «بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان»، *فصلنامه پژوهشی در سلامت روان‌شناختی*، دوره اول، ش اول، بهار ۱۳۸۶، ص ۴۱.

۱۰۶. عباس ابوالقاسمی، «اعتباریابی و روایی مقیاس بهره همدلی برای دانش‌آموزان دبیرستانی»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، دوره پنجم، ش ۴، زمستان ۱۳۸۸.
۱۰۷. زهرا فیض‌آبادی و همکاران، «بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی»، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۶.
108. Davis M.H., Luce C., & Kraus S.J. The heritability of characteristics associated with dispositional empathy. *Journal of Personality*, 62, 369-391
۱۰۹. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۲۶۷.
110. Sroufe, L. A. Relationships, self, and individual adaptation. In A. J. Sameroff & R. N. Emde (Eds.), *Relationship disturbances in early childhood: A developmental approach* (pp. 70-94). New York: Basic Books
۱۱۱. مسعود آذربایجانی، همان، ص ۳۶.
۱۱۲. ایران ذراتی و دیگران، «رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی»، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، ش ۲۹، بهار ۱۳۸۵، ص ۳۵.
113. Strayer, J & Roberts, op.cit
۱۱۴. زهرا درویزه، همان، ص ۳۰.
۱۱۵. محمدرضا احمدی، همان.
116. Jolliffe, D & Farrington, op.cit
117. Cheung, C.K. & Lee, J.J. & Chan, C.M. Explicating filial piety in relation to family cohesion. *Journal of social Behavior and Personality*, 9, 565-580.
118. Baron R.A., & Byrne D. *Social Psychology*, 8th ed., Allyn and Bacon
۱۱۹. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۵.
۱۲۰. عبدالواحد محمد التمیمی، همان، ح ۳۰۲۳.
۱۲۱. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، *الخصال*، ج ۱، ص ۸، حدیث ۲۶.
۱۲۲. همان، ص ۴۷، حدیث ۵۰.
۱۲۳. عبدالواحد محمد التمیمی، همان، ح ۵۴۹۲.
۱۲۴. نور ۲۲.
۱۲۵. محمد بن حسن حرّعاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۸، ص ۳۳۱، حدیث ۲۳۷۸۷.
۱۲۶. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹، ص ۱۵۷، حدیث ۲۷.
۱۲۷. محمد بن علی بن بابویه شیخ صدوق، همان، ج ۱، ص ۱۳۳، حدیث ۱۴۴.
۱۲۸. محمد محمدی ری شهری، *منتخب میزان الحکمه*، ذیل الیتیم، حدیث ۶۸۱۴.
۱۲۹. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۷۸، حدیث ۱، باب ۲۴، ص ۲۸۱.
۱۳۰. محمد بن حسن حرّعاملی، همان، ج ۳، ص ۲۸۶، حدیث ۳۶۶۸.
۱۳۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۱، باب ۴، حدیث ۳، ص ۲۱۵.
۱۳۲. أسراء، ۲۳.

۱۳۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۹۶، باب ۴۶، ص ۳۵۷، حدیث ۲۵.

۱۳۴. الحجرات، ۱۰.

۱۳۵. فتح، ۲۹.

۱۳۶. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۷.

۱۳۷. همان، ج ۱۰۳، باب ۵۹، حدیث ۱۶.

۱۳۸. محمد بن حسن حرّعاملی، همان، ج ۲۰، باب ۳، حدیث ۲۴۹۳۰، ص ۲۳.

۱۳۹. همان، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۱۴۰. مسعود آذربایجانی و همکاران، همان، ص ۳۵۱.

۱۴۱. همان، ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۱۴۲. دونالد آزی و دیگران، *روش تحقیق در تعلیم و تربیت*، ترجمه وازگن، سرکیسیان و دیگران، ص ۵۲۹.

143. Davis, M.H.

144. Empathic concern.

145. Batson, C.D. The altruism question: Toward a social-psychological answer. Hillsdale: Erlbaum Associates

146. perspective taking.

147. Personal distress.

148. Tice, D.M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R.F. Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.

149. Davis. M. H; Luce. C& Kraus. J. S. The heritability of characteristics associated with dispositional empathy. *Journal of Personality*, 62: 3. 369-391.

۱۵۰. زهرا فیض آبادی و همکاران، همان.

151. Manstead, A, Gender differences in emotion. In: A. Gale and M.W. Eysenck, Editors, *Handbook of individual differences biological perspectives*, Wiley, Oxford

152. Jolliffe, D & Farrington, op.cit

153. Trobst K.K., Collins R.L., & Embree, op.cit

154. D'Ambrosio, F, Olivier, M, Didon, D & Besche, op.cit

منابع

- ابوالقاسمی، عباس، «اعتباریابی و روایی مقیاس بهره همدلی برای دانش‌آموزان دبیرستانی»، مجله مطالعات روان‌شناختی، دوره پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۸
- احمدی، محمدرضا، «مبانی روان‌شناختی ارتباط مؤثر والدین با فرزندان در محیط خانواده»، معرفت، مرداد ۱۳۸۵، ش ۱۰۴، ص ۱۸ - ۲۵.
- آذربایجانی، مسعود و همکاران، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران، سمت، ۱۳۸۲.
- آری، دونالد، و دیگران، *روش تحقیق در تعلیم و تربیت*، ترجمه وازگن، سرکیسیان و دیگران، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
- بازیاری، مهتاب، «بررسی مقایسه‌ای ویژگی‌های شخصیتی، عوامل تنیدگی‌زا، شیوه‌های مقابله و شرایط اقتصادی و اجتماعی دختران فراری و غیرفراری»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۰.
- باعزت، فرشته و صدق‌پور، بهرام صالح، «مقایسه ابعاد حرمت‌خود در دانش‌آموزان نارساخوان و عادی پایه‌های سوم تا پنجم ابتدائی شهر تهران»، *مجله مطالعات روان‌شناختی*، زمستان ۱۳۸۷، ش ۱۷، ص ۶۵ تا ۸۰
- براندن، ناتانیل، *روان‌شناسی عزت‌نفس*، ترجمه قراچه‌داغی، مهدی، تهران، نخستین، ۱۳۷۹.
- بشارت، محمدعلی، «بررسی رابطه کمال‌گرایی و حرمت‌خود در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی»، *مجله روان‌شناسان ایرانی*، پاییز ۱۳۸۳، ش ۱، ص ۲۱ تا ۳۰.
- بیابانگرد، اسماعیل، *روش‌های افزایش عزت‌نفس در کودکان و نوجوانان*، تهران، انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۶.
- پوپ، ایس، مک‌هال، سوزان و کریهید، ادوارد، *افزایش احترام به خود در کودکان و نوجوانان*، ترجمه تجلی، پریسا، تهران، رشد، ۱۳۷۴.
- التمیمی، عبدالواحد محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم: نشر مکتبه الأعلام الإسلامیه، ۱۳۶۶.
- الحرانی، ابو محمد الحسن، *تحف‌المقول عن آل الرسول*، قم، نشر مکتبه البصیرتی، ۱۴۰۰ق.
- حرّعاملی، محمدبن‌حسن، *وسائل‌الشیعه*، کتاب‌فروشی اسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ه.ق.
- درویزه، زهرا، «بررسی رابطه همدلی مادران و دختران دانش‌آموز دبیرستانی و اختلالات رفتاری دختران شهر تهران»، *مجله علمی پژوهشی زنان*، سال اول، ش ۳، زمستان ۱۳۸۲
- ذراتی، ایران، امین یزدی، امیر، آزادفلاح، پرویز، «رابطه هوش هیجانی و سبک‌های دلبستگی»، *مجله تازه‌های علوم شناختی*، شه ۲۹، بهار ۱۳۸۵
- رحیمی‌نژاد، عباس، «بررسی تحولی هویت و رابطه آن با حرمت‌خود و حالت اضطراب در دانشجویان دوره کارشناسی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دانشگاه تهران، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، ش ۱۵۸ و ۱۵۹، ص ۴۷۷ تا ۵۰۰.
- رمضانی، ولی‌الله، شمس اسفندآبادی، حسن و طهماسبی، شهرام، «بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان»، *فصلنامه پژوهشی در سلامت روان‌شناختی*، دوره اول، ش اول، بهار ۱۳۸۶.

زرشقانی، مسعود، «هنجاریابی و اعتباریابی مقیاس‌های همدلی و رفتار مدنی - سازمانی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۴.

شجاعی، محمدصادق، *توکل به خدا؛ راهی به سوی همدلی و سلامت روان*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۳.

شجاعی، محمدصادق، «رابطه میزان توکل به خدا با حرمت‌خود»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی بالینی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

شعاع‌کاظمی، مهرانگیز، «نقش حرمت‌خود در رفتار کمک‌خواهی دانش‌آموزان»، *معرفت*، آذر ۱۳۸۳ - ش ۸۴، ص ۱۰۱ تا ۱۰۸.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ ه.ق. غضنفری، فیروزه، «رابطه مفهوم خود و سلامت روانی در فرهنگ شرق و غرب»، *مجله پژوهش زنان*، بهار و تابستان ۱۳۸۵، ش ۱۴، ص ۱۲۱ تا ۱۴۰.

فتحی‌آشتیانی، علی، «ابعاد شخصیتی دانش‌آموزان تیزهوش و عادی»، *مجله مدرس علوم انسانی*، تابستان ۱۳۷۶، ش ۳، ص ۴۷ تا ۶۰.

فیض‌آبادی، زهرا، ولی‌الله فرزاد و مهرناز شهراری، «بررسی رابطه همدلی با سبک‌های هویت و تعهد در دانشجویان رشته‌های فنی و علوم انسانی»، *فصلنامه مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۳، ش ۲، تابستان ۱۳۸۶.

کیومرثی، محمدرضا، «رابطه جهت‌گیری مذهبی با عوامل شخصیت»، *معرفت*، اسفند ۱۳۸۲، ش ۷۵، ص ۵۹ تا ۷۷. گل‌پرور، محسن، عریضی، حمیدرضا و مدنی قهفرخی، سعید، «نقش نگرش به رفاه اجتماعی در رابطه همدلی و گرایش اجتماعی با عدالت اجتماعی»، *فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال نهم، ش ۳۲، ۱۳۸۸.

مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق.

مجلسی، محمدباقر، *بحارالأنوار*، دارأحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

محمدی‌ری‌شهری، محمد، *منتخب میزان‌الحکمه*، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۳.

محمدی، نورالله، «بررسی مقدماتی اعتبار و قابلیت اعتماد مقیاس حرمت‌خود روزنبرگ»، *مجله روانشناسان ایرانی*، تابستان ۱۳۸۴، ش ۴، ص ۳۱۳ تا ۳۲۰.

منصور، محمود، *روان‌شناسی ژنتیک: تحول روانی از تولد تا پیری*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

ورثینگتون، اورت ال و دابلیو.بری، جک و پاورت، لس و حیدری، مجتبی (مترجم)، «کینه‌توزی، گذشت، دین و سلامتی»، *مجله نقد و نظر*، بهار و تابستان ۱۳۸۳، ش ۳۳ و ۳۴.

Anderson V.L. (1993). Gender differences in altruism among holocaust rescuers. *Journal of social Behavior and Personality*, 8, 43-58.

Baron R.A., & Byrne D. (1997): *Social Psychology*, 8th ed., Allyn and Bacon.

Batson, C. D., Bolen, M. H., Cross, J. A., & Neuringer-Benfiel (1986). Where is the altruism in the altruistic personality? *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 212-220.

Batson, C.D. (1991). The altruism question: Toward a social-psychological answer. Hillsdale: Erlbaum Associates.

Benson, P. and B. Spilka (1973). God image as a function of self-esteem and locus of control. *Journal for the Scientific Study of Religion* 12: 297-310.

- Brothers, L. (1990). The neural basis of primate social communication. *Motivation and Emotion*, 14, 81-91.
- Buie, Dan H. (1981). Empathy: Its nature and limitation. *Journal of the American Psychoanalytic Association*, 29, 281-307
- Cheung, C.K. & Lee, J.J. & Chan, C.M. (1994). Explicating filial piety in relation to family cohesion. *Journal of social Behavior and Personality*, 9, 565-580.
- Coopersmith, S. A, *The Antecedents of self Esteem*, Sanfrancisco, CA: W. H. Freeman, 1967.
- D'Ambrosio, F, Olivier, M, Didon, D & Besche, C, (2009). The basic empathy scale: A French validation of a measure of empathy in youth. *Personality and Individual Differences*, 46 (2), 160-165.
- Davis M.H., Luce C., & Kraus S.J. (1994). The heritability of characteristics associated with dispositional empathy. *Journal of Personality*, 62, 369-391.
- Feshbach, N. D., & Feshbach, S. (1969). The relationship between empathy and aggression in two age groups. *Developmental Psychology*. P: 127-192
- Feshbakh, N. D. (1978). *Studies of Empathic Behavior in Children*, Progress in Experimental Psychology Research. Vol. 8. Academic Press, New York.
- Freud, Sigmund. (1905). Jokes and their relation to the unconscious. *SE*, 8: 1-236.
- Greenson, Ralph R. (1960). Empathy and its vicissitudes. *International Journal of Psycho-Analysis*, 41, 418-424.
- Jolliffe, D & Farrington, D.P, (2006). Developmental and validation of the basic empathy scale, *Journal of Adolescence*, 29 (4), 589-611.
- Kallipouska, M. (1992). Attitudes towards health, health behavior, and personality factors among school students very high on empathy. *Psychological Reports*, 70, 1119-1122.
- Lucase, R., Diener, E., and Suh, E. (1996). "Discriminant Validity of Subjective Well-Being Measures". *Journal of personality and social psychology* 73:1141-57.
- Macmillan, P. (2005). *International Dictionary of Psychoanalysis*, Volume 1: empathy, Gale, Michigan.
- Manstead, A, (1992). Gender differences in emotion. In: A. Gale and M.W. Eysenck, Editors, *Handbook of individual differences biological perspectives*, Wiley, Oxford.
- McCullough, M. E., Worthington, E. L., Jr, & Rachel, K. C. (1997). Interpersonal forgiveness in close relationships. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 321-326.
- Monto, M., Zgourides, G. & Harris, R. (1998). Empathy, Self-Esteem, and the Adolescent Sexual Offender, Sexual Abuse: A *Journal of Research and Treatment*, Volume 10, Number 2, 127-140
- Reber, A. S. (1995). *Dictionary of psychology*. London, Penguin Books. Second edition, P:249
- Salovey, P, Stroud, L R, Woolery, A and Epel, E S (2002). "Perceived emotional intelligence, stress reactivity, and symptom reports", *Psychology and Health*, vol. 17 no.5, pp.611-627.
- Sroufe, L. A. (1989). Relationships, self, and individual adaptation. In A. J. Sameroff & R. N. Emde (Eds.), *Relationship disturbances in early childhood: A developmental approach* (pp. 70-94). New York: Basic Books.
- Strayer, J & Roberts, W, (1989). Children's Empathy and Role Taking: Child and Parental Factors, and Relations to Prosocial Behavior, *Journal of Applied Developmental Psychology*, Volume 10, Issue 2, P 227-239
- Tice, D.M., Bratslavsky, E., & Baumeister, R.F. (2001). Emotional distress regulation takes precedence over impulse control: If you feel bad, do it! *Journal of Personality and Social Psychology*, 80, 53-67.
- Trost K.K., Collins R.L., & Embree J.M. (1994). The role of emotion in social support provision: Gender, empathy and expressions of distress. *Journal of social and Personal Relationships*, 11, 45-62.
- Ungerer, J.A., Dolby, R., Waters, B., Barnett, B., Kelk, N., & Lewin, V. (1990). The early development of empathy: Self-regulation and individual differences in the first year. *Motivation and Emotion*, 14, 93-106.
- Waterman, A.S (1992). Identity as an aspect of optimal Psychological functioning-in Adams, G.R., Gullotta, T.P., Montemayor, R (eds), *Adolescent identity formation*-sage publication.
- Widlöcher, Daniel. (1993). L'analyse cognitive du silence en psychanalyse: Quand les mots viennent à manquer. *Revue internationale de psychopathologie*, 12, 509-528.